

مهم ترین قیود حالت داخل و خارج کتاب کنکور

row	adverb	equivalent in Persian	row	adverb	equivalent in Persian
۱	absolutely	کاملاً، مطمئناً	۳۴	emotionally	به لحاظ عاطفی
۲	actively	فعالانه، مجدانه	۳۵	entirely	کاملاً، کلاً، سراسر
۳	actually	واقعاً، عملاً، در حقیقت	۳۶	equally	به تساوی، به یک اندازه
۴	anxiously	با دلواپسی، با نگرانی	۳۷	especially	به ویژه، مخصوصاً
۵	appropriately	بطور مناسب، بطور مقتضی	۳۸	eventually	سرانجام، عاقبت، نهایتاً
۶	artificially	بطور مصنوعی، بطور ساختگی	۳۹	exactly	دقیقاً، عیناً، کاملاً
۷	automatically	خودبه خود، بطور خودکار	۴۰	extremely	بسیار، خیلی، افراطی
۸	beautifully	به خوبی، به زیبایی	۴۱	fairly	نسبتاً، تا اندازه ای، منصفانه
۹	briefly	بطور مختصر، بطور خلاصه	۴۲	finally	بالاخره، عاقبت، سرانجام
۱۰	brightly	به روشنی، بطور تابان	۴۳	financially	بلحاظ مالی
۱۱	capably	بطور قابل، از روی لیاقت	۴۴	firmly	بطور محکم، قاطعانه
۱۲	carefully	از روی دقت، بطور با دقتی	۴۵	flexibly	به نرمی، به نحوی منعطف
۱۳	carelessly	از روی بی دقتی، بطور بی دقتی	۴۶	formerly	سابقاً، پیشتر، قبلاً
۱۴	certainly	قطعاً، حتماً، مطمئناً	۴۷	fortunately	خوشبختانه
۱۵	clearly	به وضوح، آشکارا	۴۸	frequently	مکرراً، به دفعات، بارها
۱۶	closely	بطور نزدیک، بطور تنگاتنگ	۴۹	friendly	دوستانه، صمیمانه
۱۷	comfortably	به راحتی، آسوده	۵۰	fully	کاملاً، تماماً
۱۸	commonly	عموماً، معمولاً، عرفاً	۵۱	generally	عموماً، معمولاً، بطور کلی
۱۹	completely	کاملاً، کلاً، سراسر	۵۲	gently	به تدریج، به نرمی، با ملایمت
۲۰	concretely	بطور واقعی، بطور ملموس	۵۳	globally	جهانی، سراسری
۲۱	consciously	آگاهانه، با هوشیاری	۵۴	gradually	به تدریج، آرام آرام
۲۲	considerably	بطور قابل ملاحظه ای	۵۵	harmfully	بطور مضر
۲۳	constantly	دائماً، مستمر، صادقانه	۵۶	heavily	به سنگینی
۲۴	continuously	بطور پیوسته، بطور مداوم	۵۷	honestly	صادقانه، از روی درستی
۲۵	correctly	به درستی، بطور صحیح	۵۸	hurriedly	شتابان، با شتاب، با عجله
۲۶	daily	روزانه، یومیه	۵۹	hurriily	شتابان، با عجله
۲۷	deeply	شدیداً، عمیقاً	۶۰	ideally	به نحوی مطلوب، آرمانی
۲۸	definitely	قطعی، مطمئناً، بدون شک	۶۱	immediately	فوراً، بی واسطه
۲۹	directly	مستقیم، بی درنگ	۶۲	imperatively	آمرانه
۳۰	easily	به آسانی	۶۳	increasingly	بطور فزاینده، بیش از پیش
۳۱	economically	مقتصدانه، با صرفه جویی	۶۴	individually	انفرادی، شخصی
۳۲	effectively	بطور مؤثر، سودمندانه	۶۵	inexpensively	بطور ارزان، بطور کم خرج
۳۳	efficiently	بطور مؤثر، به نحوی کارآمد	۶۶	interchangeably	به جای همدیگر

مهم ترین قیده‌های حالت داخل و خارج کتاب کنکور

row	adverb	equivalent in Persian	row	adverb	equivalent in Persian
۶۷	lastly	سرانجام، بالاخره	۹۹	rapidly	به تندی، به سرعت
۶۸	lately	اخیراً، به تازگی	۱۰۰	rarely	به ندرت، گاه گاهی
۶۹	likely	احتمالاً، محتملاً	۱۰۱	really	واقعاً، به درستی
۷۰	locally	محلی، موضعی	۱۰۲	reasonably	بطور منطقی، معقولانه
۷۱	lonely	تنها، بی‌کس، غریب	۱۰۳	recently	اخیراً، به تازگی
۷۲	luckily	خوشبختانه	۱۰۴	regularly	مرتباً، بطور منظم
۷۳	mainly	اصولاً، اساساً	۱۰۵	relatively	نسبتاً، کمابیش
۷۴	mentally	روحي، ذهني، فكري، رواني	۱۰۶	scientifically	بطور علمی، نظام مند
۷۵	merely	فقط، صرفاً، تنها	۱۰۷	seriously	بطور جدی، موقرانه
۷۶	mostly	عمدتاً، اساساً	۱۰۸	silently	بی صدا، آهسته
۷۷	naturally	بطور طبیعی، طبیعتاً	۱۰۹	similarly	به همین نحو، بطور مشابه
۷۸	nearly	تقریباً، قریباً	۱۱۰	skillfully	ماهرانه، استادانه
۷۹	necessarily	لزوماً، الزاماً	۱۱۱	slightly	کمی، اندکی، نسبتاً
۸۰	normally	بطور طبیعی، بطور عادی	۱۱۲	smoothly	به نرمی، به آرامی
۸۱	occasionally	گاه و بیگاه، بعضی از اوقات	۱۱۳	socially	به لحاظ اجتماعی
۸۲	officially	رسماً، تشریفاتی	۱۱۴	softly	به نرمی، به آهستگی
۸۳	originally	از آغاز، در اصل، در ابتدا	۱۱۵	specifically	به ویژه، مخصوصاً، صریحاً
۸۴	particularly	خصوصاً، صریحاً، به ویژه	۱۱۶	straightly	بطور مستقیم
۸۵	peacefully	با آرامش، با آسودگی	۱۱۷	strictly	اکیداً، سخت، دقیقاً
۸۶	perfectly	کاملاً، بطور کامل، بی عیب	۱۱۸	strongly	شدیداً، مؤکداً
۸۷	personally	شخصاً	۱۱۹	successfully	با موفقیت، با کامیابی
۸۸	physically	از نظر جسمانی، از نظر بدنی	۱۲۰	suddenly	بطور ناگهانی، به ناگاه
۸۹	politely	مؤدبانانه، با ملایمت، به آرامی	۱۲۱	suitably	بطور مناسب
۹۰	possibly	شاید، احتمالاً	۱۲۲	surely	بطور حتم، مسلماً، یقیناً
۹۱	potentially	بالقوه، نهانی	۱۲۳	terribly	بدجوری، بطور مهیبی
۹۲	practically	عملاً، تقریباً، در واقع	۱۲۴	totally	کاملاً، کلاً، جمعاً، رویهمرفته
۹۳	precisely	دقیقاً، صریحاً، به صراحت	۱۲۵	ultimately	سرانجام، نهایتاً، غایتاً
۹۴	previously	قبلاً، سابقاً	۱۲۶	unfortunately	متأسفانه، بدبختانه
۹۵	primarily	عمدتاً، اساساً، در درجه اول	۱۲۷	unlikely	بعید، غیر محتمل
۹۶	probably	احتمالاً	۱۲۸	voluntarily	بطور داوطلبانه، بطور اختیاری
۹۷	professionally	حرفه ای، ماهرانه، استادانه	۱۲۹	wisely	عاقلانه، آگاهانه
۹۸	properly	به درستی، بطور کامل	۱۳۰	wonderfully	بطور شگفت آور، عجیبانه